

مهمان‌های ویژه

رضیه افضل زاده ✨ تصویرگنز برهان مولایی

نوشته و کمک کرده است سخنان امامان به دست ما
برسد.»

هم کلاسی ام مریم، که قبلاً به چشمه‌علی رفته بود،
می‌گوید: «خانم اجازه! چشمه‌علی خیلی باصفاست؛
ما آنجا ناهار خورده‌ایم.»

خانم کریمی ادامه می‌دهد: «ما می‌خواهیم ناهارمان
را بعد از زیارت در مهمان‌خانه‌ی حرم بخوریم.
دوست داشتیم به چشمه‌علی هم برویم تا شما کمی
بازی کنید. ولی چون فکر کردیم شاید خسته شوید،
منصرف شدیم. اما برای خریدن سوغاتی به بازار کنار
حرم خواهیم رفت. آن بازار، از بازارهای قدیمی و
زیبای شهر ری است.»

یادم می‌آید مادرم می‌گفت سوغاتی شهر ری،
آب‌نبات قیچی و مهر و جانماز است.

مطمئنم خاطره‌ی زیبای امروز را فراموش نخواهم
کرد. آقا جان! می‌شود هدیه‌ی به سنّ تکلیف رسیدنم
این باشد که برایم دعا کنید یار امام زمان شوم؟ خیلی
دوست دارم کمک کنید بتوانم برای ظهور امامم
تلاش کنم و به دیگران هم در این مسیر یاری برسانم.

امروز خیلی خوش‌حالم؛ بالاخره من هم لایق
هم‌صحبتی با خداوند بزرگ شده‌ام و کم‌کم به سنّ
تکلیف می‌رسم. به همین مناسبت، ما کلاس سوّمی‌ها
را از طرف مدرسه به اردوی شهر ری می‌برند تا
مشرف شدن به این سعادت را در حرم حضرت
عبدالعظیم حسنی (ع) جشن بگیریم. البته، سالروز
ولادت ایشان هم است. همه سوار اتوبوس می‌شویم.
خانم کریمی، معلممان، توضیح می‌دهد که
حضرت عبدالعظیم حسنی از یاران امام جواد و امام
هادی (ع) بوده‌اند. او می‌گوید که امام هادی (ع)
ایشان را دوست و پیرو واقعی خود معرفی کرده‌اند.
من با خودم تصمیم می‌گیرم حتماً درباره‌ی زندگی
ایشان مطالعه کنم. خیلی دوست دارم بدانم امام به چه
دلیل ایشان را دوست واقعی خود می‌دانستند.

من و خانواده‌ام همیشه فقط برای زیارت حرم حضرت
عبدالعظیم حسنی (ع) به شهر ری رفته‌ایم. اما امروز قرار
است ابتدا به آرامگاه ابن بابویه برویم و بعد حرم را
زیارت کنیم. خانم کریمی می‌گوید: «ابن بابویه از
عالمان بزرگ ما بوده که کتاب‌های زیاد و مهمی

